

#### ورزش بانوان

**آیادیر سیرجان طلسم «تاسه نشه، بازی نشه» می‌شکند؟**

#### خیز بلند دختران کویر

نگار رشیدی

در مستطیل سبزی، جایی که عرق، تاکتیک و رویاها به هم گره می‌خورند، تیمی از دل کویر با اراده‌ای پولادین در حال گرم کردن برای یک‌نبرد تاریخی است. باشگاه گل گهر سیرجان، نامی که در سال‌های اخیر در فوتبال مردان ایران به یک وزنه سنگین تبدیل شده، حالا در پخش زنان نیز به دنبال تاریخ‌سازی و ثبت برگ‌های زرین جدیدی است. آنها در آستانه فصل جدید رقابت‌های باشگاهی زنان ایران، دور خیز بلندی کرده‌اند تا طلسمی از ردهنده را برای همیشه بشکنند. آنها می‌خواهند در سومین سال حضور قدرتمند خود در لیگ برتر، جام طلایی قهرمانی را به آغوش بکشند.

داستان از آنجا شکل جدی‌تری به خود گرفت که کنفدراسیون فوتبال آسیا شمشیر قانون را از رو بست و تیمداری در عرصه بانوان را برای تمامی باشگاه‌هایی که خواهان دریافت مجوز حرفه‌ای بودند، به عنوان یک الزام غیر قابل چشم‌پوشی و ویژه روی میز گذاشت. باشگاه‌های بزرگ و ریشه‌دار به تکاپو افتادند تا تیم‌های زنان خود را تشکیل دهند.

در این میان، شرایط تیم‌ها با یکدیگر متفاوت بود. در حالی که تیم‌هایی مانند سپاهان اصفهان و ملوان بندرانزلی از مدت‌ها قبل از این قوانین سفت و سخت در لیگ برتر زنان حضور داشتند، باشگاه‌های پر هوادار پایتخت یعنی استقلال و پرسپولیس مجبور شدند مسیر طولانی‌تری را برای رسیدن به سطح اول طی کنند. اما استراتژی مدیران گل گهر کاملاً متفاوت، ساختار یافته و البته جاه‌طلبانه‌تر بود. آنها نمی‌خواستند از صفر شروع کنند؛ چشم‌انداز آنها از همان روز اول، فتح قله بود.



مدیران باشگاه گل گهر با خرید و دریافت امتیاز تیم قدرتمند و شناخته‌شده شهرداری سیرجان، رسماً با دست پر وارد لیگ برتر فوتبال زنان شدند. تیمی که دو بار جام قهرمانی لیگ برتر را بالای سر برده بود و حتی افتخار بزرگ حضور در مسابقات آمایشی جام باشگاه‌های زنان آسیا را در کارنامه پرپراز خود ثبت کرده است. گل‌گهر با به‌ارث بردن ایزن ژن قهرمانی، از همان روز اول نشان داد که برای زنگ تفریح شدن نیامده است. با این حال، با وجود روند صعودی و پیشرفت خیره‌کننده، دست این تیم در دو فصل گذشته از لمس جام قهرمانی با مانده است.

نگاهی به کارنامه سرمه‌ای پوشان سیرجانی تحت هدایت مریم جهان‌نجاتی، سرمربی بااداش و کارکشته این تیم، نشان‌دهنده یک صعود پلکانی، منطقی و برنامه‌ریزی شده است. گل‌گهر در اولین سال حضورش با نام جدید، نمایشی قابل قبول ارائه داد. آنها در آن فصل پایین‌تر از رقبای قدرتمندی چون خاتون بم و سپاهان اصفهان، با کسب ۱۳ امتیاز در رتبه سوم جدول رده‌بندی ایستادند. فصل گذشته اما داستان به اوج حساسیت خود رسید. گل‌گهر رقابتی نفس‌گیر، شانه‌به‌شانه و پرالتهاب با رقیب سنتی و هم‌استانی خود، یعنی خاتون بم داشت. شاگردان جهان‌نجاتی با ارائه بازی‌های درخشان، ۴۷ امتیاز دشت کردند. اما در نهایت، این بمی‌ها بودند که فاتح لیگ شدند و جام را به خانه بردند. صعودی از سومی به دومی کاملاً مشهود بود، اما جام و سهمیه مستقیم آسیایی همچنان در دستان رقیب باقی مانده بود.

دست‌زمانی که فصل با نایب‌قهرمانی گل‌گهر به پایان رسید، درام جدیدی در بیرون از مستطیل سبز شکل گرفت. خاتون بم، قهرمان بلانمنابع رقابت‌ها، با بحران‌هایی مواجه شد و زمزمه‌هایی جدی درباره احتمال انحلال این تیم ریشه‌دار به گوش رسید. این شایعات، ولوله‌ای در فوتبال زنان به پا کرد. در این شرایط ملتهب، پس از ارسال نامه معرفی ناماینده ایران در فصل آتی لیگ قهرمانان زنان آسیا، یک سناریوی جذاب برای گل‌گهری‌ها شکل گرفت؛ گفتمه می‌شد اگر مسئولان فدراسیون فوتبال پس از کسب اطلاع از وضعیت خاتون بم به این نتیجه برسند که این تیم تمایل یا توانایی تیمداری در آسیا را ندارد، پس از زشمند آسیایی مستقیماً به تیم دوم جدول فصل گذشته، یعنی گل‌گهر سیرجان خواهد رسید.

روزها در سیرجان با بیم و امید سپری می‌شد. دختران گل‌گهر در رویاهای خود امیدوار بودند که ناگهان و از یک راه میان‌بر، بلیت سفر به آسیا را در دستان خود ببینند. اما سرنوشت بازی دیدگی تدارک دیده بود. بمی‌ها با عبور از بحران‌ها، رسماً برای حضور در مسابقات آسیایی اعلام آمادگی کردند و نام‌شان با افتخار به AFC معرفی شد. حالا هدف‌گذاری سیرجانی‌ها کاملاً شفاف است؛ در سومین فصل شرکت در سطح اول فوتبال زنان، پس از تجربه سومی و دومی، عنوان قهرمانی را از آن خود کنند و سهمیه حضور در لیگ قهرمانان زنان آسیا را با اقتدار به دست آورند. در حال حاضر، گل‌گهری‌ها در یک بیگیری مداوم و استعلام از سرنوشت فصل جدید مسابقات هستند تا بر اساس تقویم تعریف‌شده از سوی سازمان لیگ، برنامه آماده‌سازی، اردوهای پیش‌فصل و بازی‌های تدارکاتی خود را برای حضوری طوفانی در لیگ نوزدهم نهایی کنند. همه در انتظارند ببینند آیا در این فصل، مستطیل سبز روی خوش خود را به دختران سیرجان نشان خواهد داد و طلسم «تاسه نشه، بازی نشه» بالاخره خواهد شکست؟

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خیزگراری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

#### از سلفونی ژاپی تا تونل افتخار تلخ

## کابوسی پادشاه

آرژا طاری

گاهی اوقات سقوط یک امپراتوری با صدای مهیبی همراه نیست؛ بلکه با یک سکوت کشدار، با یک آه حسسرت در دقیقه ۹۴ و با قدم‌های سنگین بازیکنانی آغاز می‌شود که می‌دانند تاریخ، آنها را نه برای جام‌های‌شان، که برای زانو زدن در برابر رقیب دیرینه به یاد خواهد آورد. فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۶ برای ژنرال مادرید، دقیقاً چنین قصه‌ای است؛ یک تراژدی تمام‌عیار که با زیباترین رویاها آغاز شد و حالا در تاریک‌ترین کلبوس هادست و پامی‌زند این یادداشت، روایتی است از فصلی که قرار بود عصر جدیدی در سانتیاگو برنابئو باشد. اما به ایستگاهی رسید که شاید دردناک‌ترین تصویر تاریخ معاصر باشگاه در آن ثبت شود: زدن تونل افتخار برای بارسلونا.

تابستان گذشته، وقتی خبر حضور ژاپی اونسو روی نیوکمک ژنرال مادرید قطعی شد، بوی امید تمام خیابان‌های مادرید را پر کرده بود. مردی که با بابلر کوزن معجزه کرده بود، با آن کت و شلوارهای خوش‌بوخت، آرامش همیشگی و ذهن تاکتیکی درخشانش به خانه برگشته بود. برای هواداران، ژاپی نماد گذار از فوتبال واکنشی به فوتبال کنش‌گرا و مدرن بود. آنها خواب شب‌هایی را می‌دیدند که تیم‌شان نه تنها می‌برد، بلکه حریفان را با پرس‌های سنگین و پاس‌کاری‌های هندسی، در منگنه‌ای از هنر و قدرت له می‌کند.

هفته‌های ابتدایی، بوی شکوفه می‌داد. تیم با طراوت بازی می‌کرد، توپ‌ها با سرعتی سرسام‌آور در زمین می‌چرخید و به نظر می‌رسید ژاپی در حال کوک کردن ساز یک سلفونی بی‌نقص است. اما برنابئو هیولایی بی‌رحمی است که صبر و حوصله نمی‌شناسد. با شروع مسابقات فشرده و مصدومیت‌های بدموقع و افت روانی برخی ستاره‌ها، ماشین تاکتیکی اونسو شروع به پرپز زدن کرد. ژاپی واکنش‌پذیری کمی داشت، اما پیاده‌سازی آن ایده‌دار در ختکنی که سال‌ها به سبک دیگری از مدیریت عادت کرده بود، در زمان می‌برد زمانی که پرز و هواداران هرگز به هیچ‌مرمی‌ای نمی‌دهند.

تساوی‌های بدموقع، شکست‌های غیرمنتظره در خارج از خانه و از دست رفتن ریتم بازی، خیلی زود زمزمه‌های انتقاد را بلند کرد. ژاپی اونسو، هافبک مقتدر، پرپز، زحار و نیمکت‌نهارت‌ها همیشه به نظر می‌رسید. او قربانی پروژهای شد که نیاز به زمان داشت. اما در ژنرال مادرید، زمان کالایی است که در هیچ بازاری یافت نمی‌شود. اخراج او، فقط رفتن یک مربی نبود؛

#### اتفاق روز

**مقدونیه اولین حریف تیم قلعه‌نویی در مسیر آماده‌سازی جام جهانی خواهد بود**

## دوئل با غول‌کش!

سوت پایان فاز نخست اردوی تیم ملی فوتبال ایران به‌صدا درامدو حلاج‌مدان‌ها برآی سفری مهم به مقدنترکیه بسته‌شد. است. در حالی که تنب و تاب جام جهانی ۲۰۲۶ هر روز بیشتر از قبل در گهای فوتبال ایران جریان پیدایی کند، امیر قلعه‌نویی و شاگردانش خود را برای یک آمون جدی آماده می‌کنند. قرعه اولین حریف تدارکاتی به نام تیمی در آمده که در سال‌های اخیر، کلبوس بزرگان قاره سبز بوده است: تیم ملی مقدونیه شمالی.

شاید در نگاه اول، رتبه ۶۷ فبفشار آخرین رده‌بندی (آوریل ۲۰۲۶) برای مقدونیه شمالی چندان رعب‌آور به نظر نرسد، اما افتخار این تیم سطح دوم اروپا توسط کادرفنی، یک تصمیم تاکتیکی و کاملاً هدفمند است. ایران در جام جهانی باید به مصاف تیم قدرتمند بلژیک برود و چه حرفی بهتر از تیمی که به تاژگی دوباره یقه شیا ملین سرخ اروپا را گرفته است؟

مقدونیه در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶، در گروهی سخت با بلژیک، ولز، قزاقستان و

#### چهره به چهره

**مرئی‌های برای رویاهای خاک‌گرفته تیم امید**

## بیدار شوید!

نازنین دشتی

صدای تیک‌تاک ساعت، تهارتین و البته دلبته‌ها و رترین صدایی است که این روزها در راه‌وهای فدراسیون فوتبال، حوالی اتاق مدیریت تیم‌های پایه به گوش می‌رسد. سکوتی سنگین، سسرد و هوهم‌آور؛ گویی خاک مرده روی پرونده‌ای قطور باشیده‌اند که نامش تیم ملی امید ایران است. در دنیای بی‌رحم فوتبال مدرن که ثابیه‌ها سرنوشته‌ساز هستند و برنامه‌ریزی‌ها برای دهه‌های آینده انجام می‌شود، مادر خوابی زمستانی و عمیق فرورفته‌ایم؛ آن هم در آستانه تأیساتی سوزان که قرار است در شهر ناگویای ژاپن رقم بخورد. این قصه بر غصه، ماجرای امروز و دیروز نیست؛ تراژدی غم‌باری است که دهه‌هاست روی پرده نقره‌ای فوتبال ایران اکران می‌شود و تماشاگرانش، یعنی میلیون‌ها هوادار ایرانی که قلب‌شان برای این آب و خاک می‌تپد،



چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
اینستاگرام: @tosee\_irani

toseirani.ir



اگرال کلاسیکوی پیش‌رو در دو هفته پیش‌رو به مراسم تونل افتخار تبدیل شود، آن شب، پیرهان سفید ژنرال مادرید، سنگین‌تر از هر زمان دیگری بر تن بازیکنان احساس خواهد شد. مادریدی‌ها این فصل را با ختند، نه فقط در جدول رده‌بندی، بلکه در جنگ اعصاب، و در جنگ استراتژی و در نهایت در نبرد حفظ فرور.

این پایان دنیا برای ژنرال مادرید نیست؛ فردا خود ششید دوباره طلوع خواهد کرد و پسرز به فکر ساختن کفصل جدیدی خواهد افتاد. اما تلخی این فصل، تلخی این سقوط آزاد از قله رویاهای ژاپی تاقعدر دو تونل افتخار، تا سال‌ها در کام هواداران این تیم باقی خواهد ماند. مرئی‌های که نت‌هایش با اشک و حسرت نوشته شده و با صدای مست‌زدن‌های اجباری در برنابئو، به پایان می‌رسد.

لايه‌های دفاعی بلژیکی است. مقدونیه شمالی نامی است که با شگفتگی سازی گره خورده است. هواداران فوتبال هنوز آن شب تاریخی در پلی‌آف جام جهانی ۲۰۲۲ را به یاد دارند؛ شبی که این تیم در خاک ایتالیا با یک گل اتزوری را به زانو در آورد و یکی از بزرگ‌ترین زلزله‌های فوتبال اروپا را رقم زد. اگرچه آنها در پلی‌آف اخیر جام جهانی ۲۰۲۶ با شکست سنگین چهار بر صفر مقابل دانمارک از رسیدن به رویای جهانی‌ها مانده‌اند، اما همچنان حریفی سرسخت و غیرقابل پیش‌بینی هستند

در اردوی ترکیه، مدافعان تیم ملی کار آسانی پیش رو نخواهند داشت. کادر فنی ایران باید تمسح در ابوابی تقابلی با ژاپون‌ترهای خطرناک مقدونیه آماده کند؛ البته الفاف، ستاره خط میانی ناپولی که به‌صورت فزنی در لایبزش توپ می‌زند و موتور محرک تیم است، انس‌باردی، هافبک طراحی و خلاق فونیه‌اسپور که به‌خوبی با متمسقر فوتبال ترکیه اشناست، استوله‌دی‌میتز، فسکی، سنگربان با تجربه و النسیا که عبور توپ از خط دروازش کار دشواری است و یویان میوفسکی و الکساندر تراکوفسکی، مهاجماتی زهرآگین (از لاکسورنجرز اسکلندوسا بر لیگ‌ها) که منظرنگ کوچک‌ترین اشتباه در دفاعی ایران هستند

این دیدار تدارکاتی در خاک ترکیه، چیزی فراتر از یک بازی دوستانه است. ۹۰ دقیقه نبرد با مقدونیه، عیار واقعی شاگردان قلعه‌نویی را محکم می‌زند؛ لوراپایی دقیق‌ای میزان آمادگی بوزهای ایرانی در آستانه پرواز به‌سوی جام جهانی به دست خواهد داد.

#### چهره به چهره

است حسین عبدی، مردی که با تیم‌های نوجوانان و جوانان نتایج قابل قبولی گرفته بود، منجی این کشتی به‌کل شکست‌شده. اما انگار رسم نانوخته فوتبال ماست که پیش از شروع هر همکاری، بذراختلاف کاشته‌شود. چالش‌ها و اختلافات عبدی با مدیران فدراسیون، گره انتخاب سرمربی جدید را از آنچه بود، کورتر کرده است.

در حالی که مادر فدراسیون فوتبال در گیر جلسسات بی‌حاصل، چانه‌زنی‌های بی‌مورد و سکوت‌های مصحطی‌هستیم، بازی‌های آسیایی ناگویا زرگ گردن به‌مانز دیک‌تر است. تیمی که هم‌زمان با صعود، به جام ملت‌های ۲۰۲۶، سهمیه حضور در ناگویا را داشت کرد، حالا در فاصله کمتر از پنج‌ماه تا سوت آغاز این رقابت‌های مهم قرار داد. پنج‌ماه در تقویم برنامه‌ریزی فوتبال حرفه‌ای، یعنی هیچ‌رقبای مادر شرق و غرب قاره کین، اردوهای تدارکاتی خود را یکی پس از دیگری پشت‌سر می‌گذارند؛ بازی‌های دوستانه بر گزار می‌کنند؛ ساکله‌اصلی ترکیب‌نهایی خود را می‌شناسند. اما ما فرته‌نابرنامه آماده‌سازی مدونی نداریم، بلکه هنوز نمی‌دانیم چه کسی قرار است بازیکنان را به‌اراد دعوت کند؛ فراموش نکنیم پس از ناگویا، تیم امید باید خود را برای شرکت در جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا ۲۰۲۸ (انتخابی المپیک لس‌آنجلس) آماده کند؛ اما پایه‌های تیمی که باید برای آن نبرد بزرگ ساخته‌شود، امروز در حال پوسیدن است.

تاریخ، معلمی سخت‌گیر است. تیم ملی امید ایران برای هفتمین بار عازم بازی‌های آسیایی می‌شود. روزگاری در سال ۲۰۰۲، در بوسان بر پام آسیا ایستادیم. ۲۰۰۶ سوم شدیم. و در ۲۰۱۰ به‌مقام چهارم رسیدیم. اما پس از آن، نمودار عملکرد تیم امید همیشه ربه‌به‌سقوطی‌آزادتر سناک بوده است؛ ۲۰۱۴ (حذف تلخ از مرحله گروهی) ۲۰۱۸ (کنار رفتن زودهنگام در مرحله یک‌هشتم نهایی) و دور اخیر در هاگنر و فاجعه‌گیر قابل‌ضمیم حذف در مرحله یک‌چهارم‌نهایی باشکست ناپاورانه برابر هنگ‌کنگ. ۱۶ سال است که حسرت حضور در جمع چهار تیم‌تر بازی‌های آسیایی بر دل فغان مانده است. ۱۶ سال است که به‌جای کاشتن بذر توسعه و اعتماد به‌برنامه‌های بلندمدت، فقط به دنبال بر داشت‌های مقطعی و معجزات لحظه‌ای بوده‌ایم. خطر تکرار فاجعه هاگنر و این بار در سرزمین آفتاب تابان، سایه‌شوم خود را روی فوتبال ایران انداخته است.

آقایان تصمیم‌گیر و فدراسیون نشین اسکوت‌آموز صدماتی شکسته‌شدن استخوان‌های نسلی از با استعدادترین جوانان این مرز و بوم است. تیمی که باید تعذیه‌کننده اصلی تیم ملی بزرگسالان باشد، اما پس از آن، نمودار چشم‌میلیون‌ها بیننده، رنگ تفریح‌رقبای تادندان مسلح شدیم و اگر فردار ناگویا، مقابل چشم‌میلیون‌ها بیننده، رنگ تفریح‌رقبای تادندان مسلح شدیم و فاجعه‌ای جدیدتر و تلخ‌تر از هنگ‌کنگ خلق شد، دیگر بهانه‌ای پذیرفته‌نیست. تقصیر را گردن زمین‌وزمان‌ناواری و پدشاسانی نیناز بد مقصر اصلی، همین سکوت‌محض و بی‌تفاوتی‌کننده امروز شماست. زمان به‌سرعت‌نور در حال گذراست و قطار ناگویا بدون کمترین توجهی به خواب سنگین ماسوت‌کنشان از ایستگاه دور می‌شود. بیدار شوید؛ پیش از آنکه دوباره با سبیلی محکم یک ناکامی تاریخی دیگر بیدارمان کنند.

شکسپیری است. در آن لحظه، سکوت برابنئو کرکننده‌تر از هر سوت و اعتراضی خواهد بود. آن دست‌زدن‌های اجباری، صدای سبیلی‌هایی است که سوءمدیریت، اشتباهات محاسباتی و فشارهای روانی در طول این فصل بر صورت باشگاه‌مانواخته‌است. ژنرال مادرید در تاریخ پر افتخار خود، روزهای تلخ کم‌ننده‌است. آنها بارها زمین‌خورده‌اند و قوی‌تر برخاسته‌اند. دی‌ان‌ای این باشگاه‌ها کلمه‌بازگشت‌گره خوده‌است. اما فصل ۲۰۲۶-۲۰۲۵، فصلی نیست که به‌این‌زودی هافر اموش شود. این فصل، جای‌زخمی عمیق بر پیکره مادریدسمو باقی خواهد گذاشت.

داستان ژاپی اونسویی که با هزاران امید آمد و با قلبی شکسته رفت؛ داستان الوار و اولبویی که خود را فدای باشگاه کرد؛ اما در گرداب بحران غرق شد؛ و داستان ثابیه‌های نجسسی مثل دقیقه ۹۴ بازی با بانیس که امتیازات رایکی پس از دیگری ی بودند.



لیختن اشتاین هم گروه بود و ۱۳ امتیاز (سه برده، چهار مساوی و تنها یک شکست) در رده سوم ایستاد. شاهکار آنها، متوقف کردن بلژیک با دو تساوی از زشمند (یک-یک و صفر-صفر) بود. بازی با مقدونیه، در واقع شبیه‌سازی دقیق و هوشمندانه تیم ملی برای پیداکردن راه‌نقوذه

دیگر حتی نای گریستن به حال قهرمانان پوشالی و شکست‌خورده این داستان تکراری را ندارند. تیمی که نامش «امید» است، این روزها بیش از هر زمان دیگری بذرا امیدوی رادر دل فوتبال دوستان می‌کارد.

مرور آنچه در ماه‌ها سال‌های اخیر بر این تیم گذشت، شبیه به تماشای یک فیلم سینمایی دلپه‌آور با پایانی به‌شدت تلخ و کاملاً قابل حدس است. در ابتدا، حرفه‌ای‌از امید زده شد. عبور سلامت و مقتدرانه از مرحله انتخابی جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا ۲۰۲۶، آن هم با کسب سه پیروزی پیاپی و روحیه‌بخش مقابل تیم‌های هنگ‌کنگ، گوام و امارات، نوید روزهای بهتری را می‌داد. به‌نظر می‌رسید پس از ناکامی تلخ در راه رسیدن به جام ملت‌های ۲۰۲۴، بالاخره خون تازه‌ای در رگ‌های این تیم جریان یافته‌است.

اما این سربراب دلخوش‌کننده، خیلی زود در صحرای بی‌رحم واقعیت محو شد. در مرحله گروهی مسابقات اصلی، تیمی که قرار بود شگفتی‌ساز تورنمنت‌شود و معادلات را بر هم‌بزند، به تیمی به‌شدت محتاط، سر در گم، بی‌زهر و فاقد ایده تاکتیکی تبدیل شد. دو تساوی بدون گل و کسالت‌بار برابر غول‌هایی چون کره‌جنوبی و ازبکستان، شاید در نگاه اول، روی کاغذ دستاورد فاجعه‌باری به‌نظر نمی‌رسید، اما شکست یک‌گله و ناباورانه مقابل لبنان، تیر خلاصی بود؛ پیکره تیمی که سکان‌دارش امیدروانخواه بود.

انتخاب روانخواه از همان روز که با علامت سوال‌های بزرگی از سوی کارشناسان و اهالی فن همراه بود. انتخابی بحث‌انگیز که عمرش به کوتاهی یک تورنمنت ناکام بود؛ پس از حذف زودهنگام از گردونه رقابت‌های جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۶، ۱۰ نوبت به سرنوشته‌مریبان پیشین دچار شد و حکم برکناری‌اش خیلی زود به امضار رسید. حالا، در فاصله سه‌ماهه اخیر از آن روزهای تلخ، صندلی سرمربیگری تیم امید ایران، چونان تخت پادشاهی نقرین شده‌ای، خالی و بی‌صاحب‌ها شده است و بازیکنان جوانی که در حساس‌ترین مقطع سنی خود قرار دارند، سرگردان تصمیمات مدیران مانده‌اند.

به‌حافظه تاریخی‌مان که رجوع می‌کنیم، لیستی بلندبالا و البته به‌شدت غم‌انگیز از نام‌هایی را می‌بینیم که هر کدام با وعده بزرگ شکستن طلسم المپیک و درخشش در آسیا آمدند و در نهایت با کوله‌باری از ناکامی، انتقاد و سسر خوردگی رفتند. محمد خاکپور (با مناتت و آرامش همیشگی‌اش)، امیر حسین بیروانی، لراتکو کرانچار (مردی که دانش اروپایی‌اش هم‌در این ساختار بیمارآفاده‌نگرد)، امیرمحمدی (باهیاهوی راسخ خود)، حمیداستیلی، مهدی مهدوی‌کیا (با دیسیپلین و تجربه‌گران‌نهای بوندس لیگایی)، رضاعنایتی و امیدروانخواه‌هشت سرمربی مختلف در تنها یک‌هفای این آمار برای هر سیستم فوتبالی‌در جهان، یک فاجعه‌مدیریتی تمام‌عیار محسوب می‌شود. هیچ‌یک از این هشت نفر نتوانستند گره‌گور این تیم را باز کنند. نه طلسم نیم‌قرنی رسیدن به المپیک شکسته‌شده و نه در بازی‌های آسیایی مدالی بر گردن بوزهای جوان آویخته‌شد. حالا در کمال ناباوری، در انتظار معرفی سرمربی نهم هستیم؛ اما گفتمه‌های دفرقرار